



نحوه ی اعمال خیارات در بیع الکترونیکی در ایران

ابراهیم جعفری چرمهینی

ارشد حقوق خصوصی و وکیل دادگستری ebrahimjafari1397@gmail.com

چکیده

با پیدایش تکنولوژی های جدید و تغییر نحوه وقوع معاملات بین اشخاص، حقوق نیز به عنوان علم ناجی حقوق اشخاص و نظم دهنده روابط آنان باید همگام با روابط اجتماعی تعالی یافته و مقررات سنتی خود را با نوآوری های جدید متناسب سازد و عندالزوم مقررات جدیدی وضع نماید. عقد بیع به عنوان یکی از مهمترین رابطین حقوقی اشخاص بشر امروزه با پیدایش کامپیوتر و اینترنت تغییراتی یافته و از عقد سنتی فاصله گرفته است، نحوه ایجاب و قبول، نحوه ابراز قصد، زمان وقوع عقد و مکان آن و چگونگی تسلیم مبیع و ثمن، نحوه اعمال اقاله یا فسخ و تغییر یافته و دیگر به صورت سنتی در عقود جدید به کار نمی رود. در این تحقیق سعی بر آن می شود، وجود یا عدم وجود خیارات در عقد الکترونیکی بررسی شود. با توجه به تغییرات ایجاد شده در نحوه وقوع عقد الکترونیکی تبعاً نحوه اعمال خیار و فسخ آن تغییراتی یافته است که قابل بررسی می باشد.

واژگان کلیدی: بیع الکترونیکی، خیارات، حق فسخ، انحلال عقد، حق خیار

مقدمه

اگر ما در مورد اعمال خیارات در بیع الکترونیکی تحقیق و تفحص لازم داشته باشیم در می یابیم که موضوع تحقیق، توجه تجار، علما و پژوهشگران زیادی را به خود جلب نموده است و با آنکه اندک تحقیقات نوشتاری در این زمینه موجود می باشد ولیکن این موضوع در مجالس و محافل تجار، حقوقدانان و ... از بحث برانگیزترین مباحث ها بوده است و نظرات و عقاید مختلفی در این زمینه بیان شده است. هدف ما از این نوشتار پاسخ به این سوال می باشد که نحوه ی تشکیل قراردادهای الکترونیکی و ویژگی ها و چگونگی انعقاد و انحلال آن ها مشخص گردد. روش انجام تحقیق کما اینکه در حقوق مرسوم است به صورت تحلیلی-توصیفی و با مراجعه به کتب و مقالات حقوقی، کامپیوتر و اینترنت و نیز قوانین موضوعه و سایر منابع حقوق است.

تجارت در مفهوم اولیه خود به معنای مبادله کالا بین افراد اعم از افراد حقیقی یا حقوقی می باشد با این حال در قوانین فعلی برای تحقق عنوان تجارت و وصف تاجر برای شخص مبادله کننده کالا یا خدمات شرایط خاصی لازم است (مواد ۱ و ۲ ق.ت). اما وجود این شرایط خاص باعث نگردیده است که تجارت از مفهوم اولیه و اصلی خود یعنی مبادله کالا انتزاع گردد. در حال حاضر قوانین ملی در اکثر کشورها تجارت را محدود به ارائه کالا یا فقط فروش یا خرید آنها محدود نکرده اند بلکه تجارت در مفهوم فعلی بسیار گسترده تر از مفهوم سنتی خود بوده و مبادله هر نوع کالا یا خدماتی را تجارت تلقی می کنند به نحوی که در حال حاضر نه تنها مبادله کالای محسوس بلکه مبادله کالای نامحسوس مثل نرم افزارهای کامپیوتری یا ارائه خدمات مختلف تحت تعریف تجارت قرار می گیرند، هر چند باید توجه داشت هنوز هم محدودیتهایی در این خصوص وجود دارد. اما نباید تصور نمود که برای تحقق مفهوم تجارت الکترونیک تحقق مبادله یا ارائه خدمات به طریق قانون تجارت لازم می باشد. تجارت الکترونیک به افراد و سازمان ها امکان ارتباط دیجیتالی را فراهم می نماید و به همین خاطر است که تبادل کالا از این طریق باعث ظهور عنوانی مثل تجارت الکترونیک گشته است. در خصوص تعریف تجارت الکترونیک اختلافاتی وجود دارد و برخی آنرا در مفهوم عام که شامل هر نوع کسب و کار می شود، تعریف می کنند و برخی دیگر مبادله کالا را در این تعریف جای می دهند. با این حال باید توجه داشت که تجارت الکترونیک در معنای عام خود به هر نوع فعالیتی اطلاق می شود که از طریق فناوری دیجیتالی صورت می گیرد اعم از اینکه این فعالیت بین تجار یا بین غیر تجار و سازمان ها صورت گیرد. تجارت الکترونیک را با توجه به ویژگی های طرفین قرارداد به پنج دسته تقسیم می کنند که در هر یک از این پنج دسته طرفهای قرارداد متفاوت از دسته های دیگر می باشد.

۱-تجارت الکترونیکی بین تجار و مصرف کنندگان

این نوع تجارت الکترونیک از معمولترین روشهای تجارت می باشد که در سرتاسر جهان روی می دهد در این گونه موارد در یک طرف قرارداد شخص تاجر یا تولید کننده قرارداد و در طرف دیگر قرارداد مصرف کننده ای که تمایل به خرید محصول یا خدمات ارائه شده دارد قرار گرفته است. تاجر در این گونه موارد می تواند خود شخصاً یا از طریق عوامل فروش یا نمایندگان خود اقدام به عرضه محصولات در فضای مجازی نماید.



۲- تجارت الکترونیک بین شرکتهای تجاری

این نوع تجارت الکترونیک نیز از جمله تجارت های معمول در عرصه تجارت می باشد چرا که شرکتهای تجاری برای تهیه مواد اولیه و کالاهای مبادله و صرفه جویی در وقت به وفور از این روش استفاده می نمایند.

۳- تجارت الکترونیک بین مصرف کنندگان

در این نوع از تجارت الکترونیک هر دو طرف قرارداد افراد عادی بوده (غیر تاجر) و در فضای اینترنت اقدام به خرید و فروش کالاهای مورد در اینترنت که جهت حراج کالا بین افراد تشکیل شده است از این نوع می باشد نیاز خود می نمایند. وجود سایت ای بی^۱

۴- تجارت بین مصرف کننده و تاجر

در این نوع از تجارت مصرف کنندگان کالاهای مورد نیاز خود را به تاجر سفارش داده و تاجر بر اساس این سفارشات اقدام به تهیه و تولید آنها و نهایتا تحویل به مشتری می نمایند.

۵- تجارت الکترونیکی بین تاجر و نهادهای دولتی

باتوجه به گسترش فناوری های ارتباطی ادارات و دستگاه های دولتی نیز برای تحقق بخشیدن به اهداف خود و تهیه مایحتاج و مواد اولیه یا کالاهای مورد نیاز خود اقدام به خرید و تهیه آنها از طریق الکترونی می نمایند.

برای تحقق تجارت الکترونیک باید شرایط انعقاد عقد را در نظر گرفت نه آثار و اجرای عقد را (ماده ۴۷ قانون تجارت الکترونیک). هر چند برخی از اساتید گرانقدر بر خلاف این امر نظر دارند و اجرای عقد با استفاده از فناوری دیجیتال را برای تحقق مفهوم تجارت الکترونیک کافی می دانند. با توجه به نوع توافقات حاصل شده از طریق مبادلات الکترونیکی باید گفت که قریب به اتفاق این توافقات ماهیت عقد بیع را دارا می باشند و باید آثار عقد بیع را تاجایی که امکان دارد بر این قراردادها واقع ساخت. البته باید توجه داشت که در تفسیر نوع توافق حادث شده خواست طرفین قرارداد مهمترین رکن خواهد بود. اما نباید از این نکته غافل شد که همه مبادلات انجام شده از طریق الکترونیکی ماهیت عقد بیع یا عمل حقوقی را ندارند بلکه در برخی موارد مبادله داده ها جهت اعلام نیاز اولیه، دعوت برای مذاکره، ارائه اطلاعات مورد نیاز و اموری این چنینی می باشد. واژه خیار اسم مصدر «اختیار» و با ریشه عربی به معنای حقی است که به متبایعین امکان فسخ معامله را می دهد. اختیاری که گاه ناشی از حکم قانون و گاهی ناشی از اراده دو طرف قرارداد می باشد. خیار به معنای حاضر صرفا در عقود مورد استفاده قرار می گیرد و در ایقاعات خیار راه ندارد. با توجه به اینکه در عقود جایز امکان فسخ عقد بدون وجود هیچ دلیلی وجود دارد (م ۱۸۶ق.م.) می توان گفت که خیارات صرفا در عقود لازم جاری می باشند و برای فسخ عقود جایز نه دلیلی لازم و نه از فسخ این عقود مسولیتی ایجاد می شود (۶۷۸ق.م.) در حالی که در عقود لازم اصل بر پایداری آنها بوده و امکان فسخ عقد امری نامتعارف می باشد و صرفا در مواردی مورد استفاده قرار می گیرد که دلیل خاصی آنرا اقتضاء نماید.

خیارات به گستردگی که در حال حاضر در حقوق ایران دارد در هیچ یک از نظام های حقوقی وجود ندارد و این امر ناشی از پیشینه فقهی است که قانون مدنی از آن الهام گرفته است. به عبارت بهتر استدلال منطقی و اصولی فقها اعم از فقهای امامیه و فقهای عامه باعث گسترش و تقویت مبانی فقهی احکام معاملات گشته که نویسندگان قانون مدنی از این امر بهره جسته و نظام نوین حقوقی را با اندیشه ناب و اصیل سیراب نموده اند. در خصوص گستردگی خیارات در فقه و نزد فقها اختلافات چندانی وجود ندارد و علی رغم اینکه در برخی تعیین مصادیق اختلافاتی به چشم می خورد اما خیارات اصلی مورد قبول تمام فقها می باشد برخی از فقها از جمله شیخ مرتضی انصاری تعداد خیارات را در هفت مورد محدود دانسته اند و برخی از فقها نیز تعداد آنها را تا چهارده مورد نیز گسترش داده اند. با این حال قانون مدنی به پیروی از نظر مشهور تعداد خیارات را در عدد ده محدود نموده است (۳۹۶ق.م.) مبنای خیارات موجود در قانون مدنی علیرغم اختلافات موجود در این خصوص، در بیشتر موارد ناشی از قاعده لاضرر و توافق طرفین و در برخی موارد ناشی از سنت فقهی می باشد.

یکی از احکام مترتب بر اکثر اعمال حقوقی بالاخص عقد بیع در حقوق ایران وجود خیارات در این عقود می باشد. با توجه به اینکه خیارات مصرح در قانون مدنی تماما ویژه عقد بیع نمی باشند این گونه خیارات را می توان در همه توافقات حاصله بین افراد به کاربرد مگر اینکه اعمال یا گنجانند خیارات در نوع توافق حادث شده مخالف با ماهیت آن باشد.

بر همین اساس در امکان وجود خیارات در عقود و توافقات حاصل شده از طریق الکترونیکی هیچ شکی وجود ندارد اما در این مورد از یک طرف



باید تاثیر روش انعقاد عقد در تحقق خيارات در این گونه عقود و از سوی دیگر قواعد آمره قانون تجارت الکترونیک در خصوص حمایت از مصرف کننده را در نظر گرفت.

گرچه بر اساس اصول و قواعد عمومی امکان وجود خيار مجلس برای عقود منعقدۀ از طریق الکترونیکي قابل تصور نمی باشد اما قانون تجارت الکترونیک در ماده ۳۷ برای مصرف کننده یا همان خریدار امکان انصراف هفت روزه را برقرار نموده است که بیش از حقوق اعطا شده به واسطه خيار مجلس می باشد. نحوه تدوین مواد این قانون نشان از این دارد که حمایت از خریدار (مصرف کننده) در این عقود اهمیت زیادی دارد و حتی شرط مخالف این قواعد نیز علاوه بر اینکه باطل می باشد در برخی موارد ضمانت اجرای کیفری نیز دارد (ماده ۴۶).

نکته ای که باید به آن توجه نمود استفاده از روش مناسب در اجرای خيار می باشد. به عبارت بهتر اجرای خيار در قراردادهای منعقدۀ در فضای الکترونیکي باید به نحوی صورت پذیرد که مقتضای این گونه قراردادهای می باشد. به عبارت بهتر اجرای خيار باید به نحوی صورت پذیرد که طرف مقابل از نوع اجرای خيار متضرر نگردد. برای مثال با توجه به اینکه این گونه قراردادهای با استفاده از روش های الکترونیک منعقد گردیده است طرف قرارداد انتظار دارد که فسخ این گونه عقود نیز با استفاده از این گونه ابزار به اطلاع وی برسد و اگر قرار باشد دارنده خيار در این گونه عقود اعمال فسخ را با وسیله دیگری که از نظر سرعت ارتباطی در مرتبه ای پایین تر از وسائل دیجیتال دارد بدون شک طرف قرارداد از این امر متضرر خواهد شد. بر این اساس لازم است اعمال کننده فسخ با استفاده از ابزار مناسب این امر را به اطلاع طرف مقابل برساند.

جایگاه بیع الکترونیکي در حقوق ایران

نیاز به ایجاد ارتباطات بین المللی و گسترش روابط الکترونیکي لزوم وجود بستر های لازم برای رسیدن به این مقصود را توجیه می نماید. قانونگذار ایران نیز به دلیل اهمیت موضوع و برای تسهیل در امر پیشرفت کشور اقدام به تدوین قوانین مورد نیاز و از جمله قانون تجارت الکترونیک در سال ۸۳ نمود. بدون شک وجود روابط بین المللی گسترده و تسهیل در تجارت خارجی و داخلی لزوم وجود بسترهای مناسب از جمله قوانین موضوعه مرتبط و مترقی را می طلبد.

قانون تجارت الکترونیک ایران در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۴ به تایید شورای نگهبان رسید. این قانون بر مبنای قوانین نمونه از جمله قانون نمونه امضای الکترونیکي آنسیترال و قانون نمونه تجارت الکترونیک تنظیم گردیده است. در مجموع این ماده مشتمل بر ۸۱ ماده و ۷ تبصره می باشد. بر اساس ماده یک این قانون هدف از تنظیم آن ارائه اصول و قواعدی است که مبادله ایمن داده ها با استفاده از وسائل الکترونیکي جدید را تسهیل می نماید. در این قانون قراردادهای منعقدۀ در فضای الکترونیکي معتبر تلقی شده و امضاء الکترونیکي برای انعقاد قرارداد مکفی دانسته شده است (مواد ۵، ۷، ۱۰ و ۱۱). در این قانون علاوه بر مقرر نمودن موادی جهت حمایت از مصرف کننده در برخی موارد خاص برای متخلفین نیز مجازات های کیفری پیش بینی شده است (مواد ۳۳-۳۴ و ۴۹-۶۷ و ۷۸).

نیاز به فراهم کردن بستر های مناسب برای توسعه هیئت وزیران را بر آن داشت که در تاریخ ۸۸/۶/۱۱ آیین نامه اجرایی ماده ۳۲ قانون تجارت الکترونیک در خصوص تشکیل دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکي را به تصویب برسانند.

با این حال توسعه فناوری های دیجیتال باعث گردید تا کشور ما نیز از این پیشرفت متاثر شده و فراتر از قانون های دون مورد استفاده متنوع گیرد. بر این اساس در حال حاضر با فراهم شدن نسبی بسترهای مورد نیاز در این خصوص برخی اعمال اداری و در برخی موارد برخی از اعمال حقوقی با استفاده از وسائل الکترونیک بالخاص مبادله داده ها از طریق اینترنت صورت می گیرد. هر چند که سازمان های دولتی نیز خود از محیط اختصاصی اقدام به مبادله داده ها می نمایند.

با توجه به تصویب قانون تجارت الکترونیک در کشور امکان انعقاد قراردادهای از طریق داده های الکترونیکي بیش از پیش فراهم شده و افراد و سازمانها با اطمینان بیشتری می توانند اقدام به انعقاد قرارداد از این طریق نمایند. وجود قانون مناسب در این عرصه باعث می گردد تا طرفین قرارداد بتوانند نسبت به تعهدات خود در این گونه موارد آگاهی پیدا کرده و هزینه های اجتماعی و قضایی ناشی از ایجاد اختلافات آتی را از بین ببرند. قانونگذار با توجه به درک واقعیت های اجتماعی و قانونی در کشور همه معاملات و قراردادهای را مورد حمایت این قانون قرار نداده است و طرفین قرارداد را بطور ضمنی برای حفظ حقوق خود به انتخاب روشهای مناسب تر انعقاد قرارداد هدایت نموده است. به عبارت بهتر با توجه به اهمیت موضوعات بیان شده در ماده ۴۲ (در برخی موارد) و جلوگیری از اختلافات معمول طرفین قرارداد را برای انعقاد قرارداد از طریق دیگری هدایت نموده است.

ایجاب و قبول، زمان و مکان تشکیل قرارداد

هر قراردادی برای انعقاد نیاز به تلافی اراده ها و به تبع آن حصول توافق منوط می باشد. قراردادهای منعقدۀ در فضای الکترونیکي نیز از این قاعده مستثناء نبوده و تابع این اصل مهم حقوقی می باشند. با این حال قراردادهای الکترونیکي از این جهت که به طور معمول توسط اشخاصی منعقد



می گردند که در مکان های متفاوت حضور دارند دارای ویژگی متمایزی می باشد با این حال این خاصیت باعث تغییر ماهیت توافق یا روش حصول به آن نمی گردد.

ایجاب و قبول

در قراردادهای الکترونیکی ایجاب با همان ماهیت و ساختار انشاء و اعلام می شود با این حال ویژگی های قراردادهای الکترونیکی موجب گشته است تا ایجاب و قبول این گونه عقود دارای ویژگی متمایزی باشند. اولاً: ایجاب های الکترونیکی برای افراد مختلف در مکان های متعدد ارسال می گردد با عنوان ایجاب از راه دور شناخته می شوند و به همین دلیل می باشد که قوانین کشورهای مختلف مقررات خاصی را برای حمایت از مصرف کننده در نظر گرفته و موجب را ملزم نموده اند که در ایجاب خود شرایط خاصی را رعایت نماید در غیر این صورت ایجاب وی اثر قانونی نخواهد داشت (م ۳۳ قانون تجارت الکترونیک) ثانیاً: با توجه به ماهیت قراردادهای الکترونیکی ایجابی برای انعقاد این قرارداد ها موثر تلقی می شود که از طریق تبادل داده ها صورت پذیرد و هر گونه اعلام اراده از طریق به غیر این مورد نمی تواند به عقد واقع شده وصف الکترونیکی دهد. نهایتاً این که ایجاب های اعلام شده از طریق الکترونیکی دارای محدودیت مکانی نمی باشند.

روشهای انحلال بیع الکترونیک

ایفاء تعهد

در قراردادهای الکترونیکی بر خلاف عقود سنتی در صورت تخلف متعهد از انجام تعهد، مصرف کننده اختیار خواهد داشت قرارداد را فسخ نماید یا منتظر اجرای تعهد متعهد بماند (ماده ۳۹ قانون تجارت الکترونیک). به عبارت روشنتر با توجه به ماده ۲۲۶ قانون مدنی امکان اخذ خسارت در تعهدات کلی منوط بر این است که متعهد ابداناً به اجرای تعهد اجبار گردد و در صورت عدم امکان اجبار و اجرای عقد است که متعهد له می تواند عقد را فسخ نماید. و قبل از اجبار متعهد نسبت به اجرای تعهد امکان فسخ عقد وجود نخواهد داشت مگر اینکه طرفین در قرارداد شرط مخالفی قرار داده باشند. در خصوص تعهداتی هم که موضوع آنها عین معین بوده یا بسته به شخصیت متعهد می باشد در صورت تلف عین یا عدم امکان اجرای تعهد توسط متعهد عقد منفسخ (۳۸۷ق.م.) یا امکان فسخ برای متعهد له پیش بینی شده است (۲۳۹ق.م.). در حالی که در قراردادهای الکترونیکی به مصرف کننده این اختیار داده شده است که یا منتظر اجرای تعهد توسط متعهد باشد یا عقد را فسخ و ثمن را دریافت نماید. دادن چنین امتیازی به خریدار در قراردادهای الکترونیکی صرفاً در جهت حمایت از حقوق مصرف کننده در این گونه عقود می باشد.

قواعد عمومی اجرای تعهدات

قراردادهای واقع شده در فضای الکترونیک نیز تابع قواعد عمومی اجرای تعهد می باشند و بر این اساس باید مقررات مصرح در قانون مدنی نیز در این خصوص اجرا شود مگر در مواردی که قانون تجارت الکترونیک شرایط خاصی را برای اجرای تعهد مقرر نموده باشد. مثل جایی که شرط اضافی ارسال اطلاعات مورد نیاز به خریدار را جزء تعهدات بایع می داند (ماده ۳۴ و ۳۳). تعهدات موضوع قراردادهای الکترونیکی به طور معمول به صورت کلی می باشند در این صورت باید متعهد در انتخاب موضوع تعهد افراط ننموده و فرد معمول را تحویل خریدار دهد (م ۲۷۹ق.م.) و اگر موضوع تعهد عین معین باشد باید عین را به همان نحوی که در زمان انعقاد عقد بوده تحویل دهد (م ۲۷۸ق.م.) از سوی دیگر با توجه به اینکه در قراردادها الکترونیکی شخصیت متعهد در انجام تعهد اهمیت چندانی ندارد امکان اجرای تعهد توسط ثالث نیز وجود دارد (م ۲۶۷ق.م.). نکته دیگری نیز که باید به آن توجه نمود این است که گرچه در اجرای تعهدات برخی بر این عقیده اند که متعهد له می تواند حق خود را به وسیله تقاض بستاند اما شکی وجود ندارد که این امر نه از جهت نظم عمومی و نه از جهت اصول حقوقی قابل اجرا نیست چرا که هدف حقوق اجرای عدالت از مسیرها و روش های مورد قبول می باشد نه رسیدن به حق با هر روشی. بر این اساس اگر خریدار الکترونیکی بعد از خرید کالا یا دریافت خدمات مورد نظر از پرداخت ثمن قرارداد اجتناب نماید بایع نمی تواند با ورود به سیستم الکترونیکی یا رایانه ای خریدار اقدام به انتقال وجه از طریق اینترنت نماید یا مبلغ دریافتی از بدهکار خریدار را به حساب خود انتقال دهد.

در عقود منعقد شده از طریق الکترونیکی امکان گذاشتن شرط فسخ وجود دارد. با این حال با توجه به ماهیت قوانین مدون حمایتی مربوط به تجارت الکترونیک باید با احتیاط بیشتری نسبت به امکان توافق بر وجود چنین شرطی در قراردادهای الکترونیکی عمل نمود.

بر اساس بند «و» ماده ۳۳ و بندهای «ج، د» ماده ۳۴ قانون تجارت الکترونیک امکان گذاشتن شرط فسخ در قراردادهای الکترونیک وجود دارد. گرچه این مواد به طور صریح از امکان وجود شرط فسخ در قرارداد الکترونیکی صحبت ننموده است اما از موارد مزبور به راحتی می توان امکان ورود چنین شرطی در قراردادهای الکترونیکی را برداشت نمود. با این حال ماده ۴۶ قانون مذکور وجود شرط غیر منصفانه و بر خلاف حقوق مصرف



کننده را موثر ندانسته است. شاید در برداشت اولیه اینگونه بنظر رسد که قانونگذار خواسته است با گنجاندن چنین ماده ای در قانون تجارت الکترونیک به طور کامل اراده طرفین را محدود نموده و امکان توافق در خصوص شروط فسخ قراردادی را از آنان سلب نماید. با این حال باید توجه داشت گرچه تشخیص شروط غیر منصفانه و ضرری مصرف کننده با توجه به اوضاع و احوال قضیه به غایت مشکل می باشد اما نباید این نکته را فراموش نمود که محدودیت گنجاندن شرط در قراردادهای الکترونیکی، غیر منصفانه بودن شروط و مخالف بودن با مقررات فصل اول باب سوم قانون تجارت الکترونیک می باشد. به عبارت روشنتر در تمام مواردی که شرط قراردادی اعم از شرط فاسخ یا هر شرط دیگری در قرارداد الکترونیکی مخالف با حقوق مصرف کننده و مقررات فصل مزبور نباشد معتبر می باشد و تشخیص منصفانه یا غیر منصفانه بودن شرط نیز بر عهده دادگاه خواهد بود. با این حال طرفین قرارداد نمی توانند با گنجاندن شرط فاسخ اختیار مصرف کننده در اعمال حق انصراف خود را از بین ببرند.

انحلال قهری

در مورد قراردادهای الکترونیکی امکان اجرای این قواعد به طور کلی وجود دارد و نمی توان به دلیل الکترونیکی بودن اینگونه قراردادها از اجرای عموماً حقوق اجتناب نمود. هم چنانکه ماده ۳۹ قانون تجارت الکترونیک این موضوع را مورد تایید قرار داده است. بر این اساس باید قبول نمود که اجرای قواعد کلی انحلال عقود به واسطه حوادث قهری یا تلف موضوع معامله یا عدم امکان اجرای تعهد توسط متعهد در قراردادهای الکترونیکی نیز امکان پذیر می باشد.

فسخ

از بین بردن حیات قرارداد می تواند ناشی از یک اراده باشد و این اراده می تواند قدرت انحلال عقد را از اراده طرفین یا از قانون دریافت نماید. به هر نحوی که اراده یکی از طرفین دارای این توانایی باشد باید از اصول حاکم بر انحلال قراردادهای تبعیت نماید به همین دلیل بررسی ماهیت این اختیار و امکان اسقاط آن مورد بررسی قرار می گیرد. در این گفتار به بررسی ماهیت فسخ و سپس امکان اسقاط اختیارات در قراردادهای جمله قراردادهای الکترونیکی و ماهیت این اسقاط خواهیم پرداخت.

قواعد حقوقی اعمال اختیارات در بیع الکترونیکی

اعمال خیار با توجه به خاصیت ذات زایل کنندگی اش یک ایقاع تلقی می شود و این ایقاع برای صحت باید شرایط بیان شده در خصوص صحت اعمال حقوقی از جمله سلامت اراده، اهلیت و ... را دارا باشد و اعمال خیار توسط مجبور قابل قبول نخواهد بود. از سوی دیگر اعمال خیار و انشاء آن زمانی محقق می گردد که توسط دارنده خیار این انشاء اعلام گردد، به عبارت بهتر تا زمانی که قصد و نیت طرف قرارداد جنبه درونی داشته و هنوز به عالم خارج راه پیدا ننموده است هیچ اثری نخواهد داشت چرا که قواعد حقوقی برای تنظیم روابط اجتماعی بنا نهاده شده است و نیت های درونی در این کارزار فاقد اثر می باشند. اعلان اراده به این مفهوم می باشد که طرف قرارداد از نیت انشاء کننده اطلاع یابد. این اعلام اراده از آن جهت مورد تاکید قرار می گیرد که اعمال حق توسط دارنده آن در حقوق دیگران موثر واقع می شود و بدیهی است که هر شخصی که به طور مستقیم از اعمال حق تاثیر می پذیرد از آن اطلاع یابد. البته در این راه نباید چنان افراط نمود که همه انشاءات به دلیل عدم آگاهی طرف قرارداد عقیم بماند بلکه باید اعلان اراده به صورت معمول را اماره آگاهی متبایعین دانست و هر شخصی که ادعایی بر عدم آگاهی دارد باید آنرا اثبات نماید. گرچه قانون مدنی به تبعیت از فقه اصل را اراده باطنی قرارداد است (۱۹۶، ۱۹۱ و ۴۶۳ ق.م.) با این حال نباید از این نکته غافل شد که اراده باطنی باید ظهور خارجی یابد و این ظهور برای افراد با اهمیت می باشد و اگر اعلان کننده ادعای مخالف اراده ظاهری با اراده باطنی را داشته باشد باید آنرا اثبات نماید کاری که البته هر گز به نتیجه نخواهد رسید.

اعلام اراده به طور معمول با استفاده از لفظ صورت می گیرد چرا که بیان الفاظ معمولترین روش انتقال مفاهیم و معانی است. با این حال طرفین قرارداد می توانند روش خاصی را برای اعلان اراده خود در نظر بگیرند و اعلان اراده از این طریق را موثر در حقوق یکدیگر قرار دهند. برای مثال طرفین در قرارداد شرط نمایند که برای اعمال خیار دارنده باید در دفتر اسناد رسمی حاضر و با تنظیم سند رسمی اعمال خیار خود را با ارسال این سند به طرف مقابل اطلاع دهد. این گونه شروط تاجایی که مخالف با مقررات آمره نباشد معتبر تلقی می شود. اعلام اراده در خصوص اعمال خیار تا حدی متفاوت از سایر موارد می باشد چرا که به محض وقوع عقد، معلوم می شود که عقد یقیناً ایجاد شده و برای از بین بردن آن نیز نیاز به زوال یقینی می باشد. به همین دلیل می باشد که طرف قرارداد اجرای آثار خیار را از دادگاه مطالبه می نماید. نباید از این نکته غافل شد که دخالت دادگاه نه به معنای نقش آن در تحقق فسخ می باشد بلکه دادگاه صرفاً اعلام کننده تحقق فسخ و الزام خواننده به اجرای آثار آن می باشد. به عبارت بهتر نقش اصلی در اعمال فسخ بر عهده دارنده آن بوده اما برای اثبات و اجرای آثار خیار چاره ای جز توسل به دادگاه ندارد. با این حال نباید اینگونه انگاشت که مراجعه به دادگاه تنها راه اثبات تحقق اعمال خیر می باشد بلکه طرفین می توانند نحوه اعمال خیار به هر روشی را در قرارداد شرط نمایند مثل اینکه طرفین ارسال اظهار نامه را دلیل اعمال فسخ قرارداد قرار دهند.



در قراردادهای الکترونیکی و بالاخص بیع الکترونیکی نیز وضع به همین منوال می باشد و برای اعمال خیار باید این انشاء اعلام گردد. در قانون تجارت الکترونیک نسبت به نحوه اعلام تصریحی وجود ندارد و این امر بر عهده و اختیار طرفین قرارداده شده است تا خود به نحو مقتضی نحوه اعلام اراده ها را معین نمایند. با این حال در صورتی که در قرارداد فی مابین طرفین شرط خلافی وجود نداشته باشد باید اعلام اراده به نحوی روی دهد که امکان آگاهی طرف قرارداد از این امر وجود داشته باشد. به عبارتی در قراردادهای الکترونیکی با توجه به اینکه وسیله ارتباطی بین طرفین ابزارهای دیجیتالی بوده و قرارداد از این طریق منعقد گردیده است اعلام اراده در خصوص فسخ نیز باید با استفاده از این ابزار انجام گیرد چرا که این امر اماره ای بر آگاهی طرف مقابل خواهد بود. نکته ای که باید به آن توجه نمود این است که اگر در قراردادهای الکترونیکی دارنده خیار اعلام اراده خود در خصوص فسخ را از طریق وسائل غیر دیجیتالی انجام دهد به سختی می توان آنرا نوعی فسخ تلقی نمود چرا که با توجه به ابزار انعقاد عقد انتظار می رود زوال عقد نیز از این طریق و با استفاده از آن ابزار انجام پذیرد زیرا در این خصوص این روش معمولترین و معقولترین روش خواهد بود.

با توجه به اینکه در اغلب موارد مبنای خیار دفع ضرر می باشد اما نباید این وسیله در دست دارنده آن باعث ایجاد ضرر دیگری گردد. اجرای اختیارات و به تبع آن تزلزل عقد باید دارای مدت محدود باشد چرا که استمرار این امر منجر به تضرر طرف مقابل خواهد شد. بر این اساس قانونگذار در مواد مختلفی اعمال برخی اختیارات را محدود به زمان مشخص نمود (خیار تاخیر ثمن ۴۰۲ ق.م.ا)، لزوم اعمال فوری برخی دیگر را شرط دانسته (خیار تدلیس و عیب و تخلف از وصف، غبن ۴۴۰، ۴۳۵، ۴۲۰، ۴۱۵) و در برخی موارد محدود و معین بودن زمان خیار را ضروری دانسته است (۴۰۱ خیار شرط). در تمام این موارد منظور از فوریت اعمال خیار، فوریت عرفی می باشد نه فوریت ریاضی. بر این اساس تاخیر یک هفته ای در اعمال فسخ قرارداد یک میلیاردی نمی تواند مخالف با فوریت امر باشد. از سوی دیگر در قراردادهای الکترونیکی نیز همین قواعد اعمال خواهد شد و در صورت تحقق هریک از اختیارات قانون مدنی در قراردادهای انجام شده در فضای الکترونیکی قواعد اختیارات در خصوص فوریت و ... اعمال خواهد شد. لازم به ذکر می باشد که فوریت اعمال خیار در خصوص قراردادهای الکترونیکی نیز با توجه به شرایط و ابزار انعقاد قرارداد سنجیده خواهد شد. با توجه به اینکه اختیارات از جمله حقوق مالی می باشند انتقال این حقوق از طرق قراردادی و قهری نیز امکان پذیر می باشد و تابع قواعد عام قانون مدنی می باشد.

نتیجه گیری

نحوه انعقاد قراردادهای الکترونیکی این شبهه را می تواند القا نماید که با توجه به روش های انعقاد چنین قراردادهایی امکان تحقق خیار در آنها وجود ندارد. با این حال باید توجه داشت که مبنای مورد استناد در اختیارات در قراردادهای واقع شده از طریق الکترونیکی نیز وجود دارد. بنابراین با توجه به مبنای اختیارات از جمله قاعده لاضرر، اراده طرفین و سنت فقهی این مبنای در عقود واقع شده از طریق الکترونیکی نیز وجود دارد. برای مثال اگر فروشنده کالاهای صنعتی از جمله ژنراتور کالای خود را از طریق اینترنت به خریدار خود بفروشد و این کالاها به دلیل نقص فنی کارایی لازم را نداشته باشند خریدار این کالاها به صرف اینکه از طریق اینترنت اقدام به خرید نموده است باید متضرر گرد و از حقوق خود محروم شود؟ بدن شک هیچ عقل سلیمی چنین قاعده ای را قبول نمی کند چرا که روش انعقاد عقد تاثیری در حقوق طرفین قرارداد ایجاد نمی نماید بر این اساس باید توجه داشت که کلیه اختیارات با توجه به مبنای مورد استنادی آنها در قراردادهای الکترونیکی نیز داخل می باشند مگر خیار مجلس. با توجه به ماهیت خیار مجلس و شرایط تحقق آن باید توجه داشت که چنین خیار در قراردادهای الکترونیکی امکان تحقق را ندارد چرا که برای ایجاد آن نیاز به وجود مجلس عقد می باشد در حالی که حداقل از نظر فیزیکی مجلس عقدی وجود ندارد هر چند همبستگی فکری طرفین وجود داشته باشد.

در خیار مجلس اصل حضور فیزیکی طرفین قرارداد در مجلس عقد می باشد نه همبستگی یا هماهنگی فکری چراکه اگر معیار خیار مجلس همبستگی فکری طرفین بود در قراردادهای الکترونیکی نیز خیار مجلس راه داشت. دلیل لزوم حضور فیزیکی طرفین در مجلس برای تحقق خیار مجلس علاوه بر تصریح قانون مدنی و نظر مشهور فقها، این امر می باشد که اگر همبستگی فکری برای تحقق خیار مجلس لازم بود در صورتی که طرفین علی رغم حضور در مجلس عقد ارتباط فکری خود را قطع می کردند خیار مجلس نیز ساقط می گردید در حالی کسی به این نظر اعتقادی ندارد و تا زمان افتراق طرفین خیار مجلس باقی خواهد بود. یکی دیگر از خیاراتی که در قراردادهای الکترونیکی وجود یا عدم وجود آن مورد تردید می باشد خیار شرط می باشد. در این خصوص باید علاوه بر رعایت اصول قانون مدنی در خصوص مشخص بودن مدت آن (۴۰۱) باید قواعد آمره قانون تجارت الکترونیک نیز رعایت گردد. بر این اساس خیار شرط درج شده در قراردادهای الکترونیکی نمی تواند بر خلاف حق انصراف مصرف کننده و یا خلاف اصول منصفانه باشد در غیر این صورت اعتباری نخواهد داشت (ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک). اما در مورد سایر اختیارات امکان تحقق آن در قراردادهای الکترونیکی با هیچ مانعی روبرو نمی باشد و در این خصوص تنها باید به قواعد آمره قانون تجارت الکترونیک بالاخص



رعایت حقوق مصرف کننده توجه نمود. امکان درج شروط قراردادی در قراردادهای الکترونیکی و وقوع اختیارات در این عقود در سایر نظام های حقوقی دیگر نیز مورد پذیرش واقع شده است.

منابع و ماخذ

منابع فارسی

- ۱- فرحناکیان، فرشید، قانون تجارت در نظم حقوق کنونی، انتشارات میزان، ۱۳۹۰
- ۲- عرفانی، دکتر محمود، حقوق تجارت، جلد اول، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۳
- ۳- شیروی، دکتر عبدالحسین، حقوق تجارت بین الملل، چاپ دوم، انتشارات سمت، ۱۳۹۰
- ۴- امامی، دکتر میر سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ ۲۴، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۳
- ۵- کاتوزیان، دکتر ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد پنجم، شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم، ۱۳۹۰
- ۵- کاتوزیان، ناصر، تفسیر قرارداد، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، شماره ۷۰
- ۶- فخار طوسی، جواد، در محضر شیخ انصاری، اختیارات، جلد اول، نشر مرتضی، چاپ پنجم، ۱۳۸۴

منابع انگلیسی

1. Bigdeli, Hossein, electronic commerce, principles and practice, academic press, California, USA, 2002,
2. Gringras.c, Todde. E, The Laws of Internet, 3rd rev .ed, 2008, tottle pub,